رویاهایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

راه‌های نجات

ترکیبی از کمدی، اکشن و درام این هفته در فهرست انتخاب‌های ممکن برای سینماروها در سراسر جهان وجـود دارد. علاوه بر این فیلم‌هـا و آثاری که دو روز پیش در این ستون معرفی شدند، می‌توان از «زندگی اتفاق می‌افتـد!»، «در روز هفتم» و «آقـای لازار» در فهرست اکران این هفته نام برد.

■■■

بازداشت

Detention

قاتلی که خود را «سیندرهلا» می‌نامد، دبیرستانی را در کنار دریاچه گریزلی برای کشتار انتخاب کرده اسـت و دانش‌آموزان این دبیرسـتان به دنبال راهی بـرای نجـات خود و دیگـران می‌گردنـد، البته اگر بتوانند خود را از بازداشت برهانند. این فانتزی کمدی ترسـناک نوجوانانه را جوزف کاهن کارگردانی کرده و فیلمنامه‌اش را نیز با همکاری مارک پالرمو نوشته است و جاش هاچرسن، دین کوک و شنلی کاسول از بازیگرانش هستند. زمان نمایش فیلم ۸۹ دقیقه است.

سه کله‌پوک

The Three Stooges

بازگشت پیروزمندانه سه کله‌پوک بزرگ -کرلی، لاری و مو- به روی پرده سینما در کمدی تازه برادران فارلی، سـازندگان «خنگ و خنگ‌تر» با تلاش برای نجات یتیم‌خانه خود از خطر ویران شدن، درگیر شدن در یک توطئه قتل و حضور در برنامه زنده تلویزیونی همراه اسـت. فیلمنامه این کمـدی ۹۲دقیقه‌ای را بابی و پیتر فارلی و مایک سـرون نوشته‌اند و کریس دیامانتوپولوس، ویل ساسـو، شان هیز، جین لینچ و سوفیا ورگارا در آن بازی می‌کنند.

حبس

Lockout

در آینده‌ای نزدیک، مردی که به اتهام جاسوسی علیه کشـور آمریکا به زندان محکوم شـده است، با این شـرط آزادی خود را به دست می‌آورد که دختر رییس‌جمهـور را از زندانـی در فضا که به تسـخیر زندانیـان درآمده اسـت، نجات دهـد. گای پیرس، مگی گریس، پیتر استورمیر و لنی جیمز از بازیگران این اکشـن علمی-تخیلی محصول کشور فرانسه به کارگردانی جیمز ماتر و استفن سن لژه هستند. زمان نمایش فیلم ۹۵ دقیقـه و درجه‌بندی آن پی. جی. ۱۳ است.

تاچ بک

Touchback

درام ورزشی «تاچ بک» که عنوانش از اصطلاحات داوری فوتبال آمریکایی گرفته شده است، به زندگی مردی می‌پردازد که سال‌ها پس از آنکه به علت یک آسـیب‌دیدگی از تبدیل شدن به سـتاره مسابقات فوتبال بازمانده و کشاورزی را پیشه خود کرده است، فرصتی برای بازگشت به دنیای ورزش پیدا می‌کند. دان هندفیلد کارگردان، فیلمنامه را نیز نوشته است و برایان پریسلی، کرت راسل، ملانی لینسکی و مارک بلوکاس در این فیلم بـا زمان نمایش ۱۱۸ دقیقه و درجه پی. جی. ۱۳ بازی کرده‌اند.

چشم توفان

The Eye of the Storm

فرد شپیسی، فیلمساز استرالیایی سازنده «خانه روسـی» و «فریادی در تاریکی» در این درام آخرین روزهای زندگی زنی را تصویر کرده است که همه عمر اقتدار و تسـلط خود را حفظ کرده است و می‌خواهد به شیوه خود از دنیا برود. فیلمنامه را جودی موریس از رمانی به قلم نویسـنده برنده جایزه نوبل، پاتریک وایت اقتباس کرده است و داستین کلیر، جفری راش، شارلوت رمپلینگ، جودی دیویس و کالین فریلز در فیلم حضور دارند.

رابرت دنیرو در نمایی از فیلم «نورهای سرخ»

گفت‌وگو با «رابرت دنیرو» و «جین رزنتال» درباره جشنواره «ترایبکا» و پروژه‌های پیش رو

تصمیم‌هایی از سر خوش‌شانسی

ریچل دادز / ترجمه: سعید شجاعی زاده

رابـرت دنیرو و همکار تهیه‌کننده‌اش جین رزنتال بیشـتر از ۲۰ سال است که در شرکت فیلمسازی ترایبکا پروداکشنز با یکدیگر همکاری می‌کنند و در این مدت بیشـتر از دو جین فیلم سـاخته‌اند. از کمدی‌ای بامزه اما شکسـت خـورده در گیشه به نام «چه اتفاقی افتاد؟» تا سه‌گانه پرفروش «ملاقات با والدین» محصول مشـترک آنها بوده اسـت. آنها در سـال ۲۰۰۲ جشـنواره فیلم ترایبکا را در واکنش به رویداد حملات ۱۱ سـپتامبر ۲۰۰۱ به منظور مشـارکت در بازسازی بلندمدت محلـه منهتن نیویـورک راه‌اندازی کردنـد. در آن زمان هیچ فکـر نمی‌کردند که این جشـنواره بتوانـد ۷۲۵ میلیون دلار تـا به حال برای منطقه منهتن درآمد ایجاد کنـد. از دوره اول جشنواره تاکنون بیش از ۱۳۰۰ فیلم از ۸۰ کشور دنیا به نمایش درآمده است. دوازدهمین دوره این جشنواره از تاریخ ۱۹ تا ۲۹ آوریل (۳۱ فروردین-۱۰ اردیبهشت) با شرکت ۹۰ فیلم از ۳۲ کشـور دنیا برگزار می‌شود. امسال جشنواره با نمایش کمدی رمانتیک «نامزدی پنج سـاله» با بازی امیلی بلانت و جیسن سیگل آغاز می‌شود و برای اختتامیه پیش نمایشی از یکی از بهترین فیلم‌های تابستان امسال، «انتقام جویان» که براساس کتاب‌های مصور انتشارات مارول ساخته شده است، به نمایش در می‌آید.

آنچه در ادامه می‌آید، گفت‌وگوی وال استریت ژورنال است با رابرت دنیرو و جین رزنتال برگزارکنندگان این جشنواره که از پروژه‌های پیش رو و خصوصا سریال پلیسی جدیدشان به نام «NYC22» صحبت می‌کنند که از ۱۵ آوریل (۲۷ اردیبهشت) از شبکه سی.بی.اس. پخش می‌شود.

■■■

امسال جشنواره فیلم ترایبکا را با یک فیلم کمدی آغاز می‌کنید. چگونه تصمیم می‌گیرید کـه چه حال و هوایی برای جشنواره‌تان انتخاب کنید؟

رزنتال: وقتی ما امسال شروع به برنامه‌ریزی برای جشنواره کردیم، می‌خواسـتیم در شـروع چیزی برای لبخند زدن و خندیدن داشته باشـیم. به همین خاطر تلاش کردیم برای افتتاحیـه یک فیلم کمدی یا فیلمی که محتوای سـنگینی نداشـته باشـد انتخاب کنیم و فیلم کمـدی «نامزدی پنج سـاله» از کمپانی یونیورسـال را که از آن خیلی خوش‌مان آمده بود، انتخاب کردیم. بسـیاری از تصمیم‌گیری‌های ما از سر خوش‌شانسی است. در پنجمین سال برگزاری، جشنواره را با فیلم «یونایتد ۹۳» از پل گرین گرس آغاز کردیم. اعضای خانواده‌های فوت‌شدگان هواپیمای یونایتد ۹۳ (که در حادثه ۱۱ سپتامبر سقوط کرد) در سالن نمایش فیلم حاضر بودند. سـال گذشـته در دهمین سال برگزاری جشـنواره تصمیم گرفتیـم از عموم مـردم برای افتتاحیه به انـدازه ۷۰۰۰ نفر ظرفیت سالن‌ها دعوت کنیم و مستندی جذاب در مورد التون جان و لئون راسـل که توسط کمرون کرو ساخته شده بود را بـرای آنها نمایش دادیم و پس از نمایش فیلم نیز التون جان برنامه‌ای زنده برای تماشاگران اجرا کرد.

آن جلسه، اولین نمایش فیلم «یونایتد ۹۳» بود. چه حس و حالی برای‌تان داشـت؟ می‌توان گفت بازگشتی بـود به ایده اولیـه برگزاری این جشـنواره و حوادث ۱۱ سپتامبر؟

رزنتـال: مـن نمی‌توانم به جای باب یا شـخص دیگری صحبت کنم. اما به نظر من ترایبکا فراتر از یک جشنواره فیلم یا نمایش است. جشنواره ما در مورد چیزهای دیگری هم هست. چیزی که ترایبکا را از جشنواره‌های دیگر متمایز می‌کند، ایده اولیه برگزاری آن بود؛ ما به عنوان یک واکنش خلاقانه هنری به آنچه در ۱۱ سپتامبر در کشورمان و مخصوصا شهرمان اتفاق افتاده بود، این جشـنواره را آغاز کردیم. انتخاب آن فیلم هم فراتر از تنها یک نمایش فیلم بود بلکه نشـانه تاکیدی بود بر آنچه در واقعیت اتفاق افتاده بود.

دنیرو: بسیار تاثیرگذار بود. فیلم مربوط به همان زمان بود. خانواده‌های از دسـت رفتگان هم در آنجـا بودند. فراتر از آن چیزی بود که تصور می‌کردیم.

شما دو نفر از اوایل دهه ۹۰ با هم کار کرده‌اید؟

دنیرو: یعنی دقیقا چقدر طول کشیده؟

رزنتال: دقیقا از ۸ آگوست ۱۹۸۹ ساعت ۸:۵۰ صبح... اما چه فرقی می‌کند؟

می‌خواسـتم بدانـم در ایـن مـدت طولانـی بـا هم مخالفت‌هایی هم کرده‌اید؟

رزنتال: البته. اگر این‌طور نبود اصلا طبیعی نبود. حتی از برخی جهـات می‌توان گفت علت اینکه این مدت طولانی را با هم کار کرده‌ایم، همین بوده اسـت. ما همیشه با نظر هم موافق نیستیم.

دنیرو: البته تو خیلی اوقات مخالفت کردی. گاهی وقت‌ها از دست هم اذیت هم می‌شدیم.

شما در حال تهیه یک سریال تلویزیونی برای شبکه CBS به نام «NYC 22» هسـتید که از ۱۵ آوریل نمایش داده می‌شود. از اوایل دهه ۹۰ تاکنون این اولین چالش شما در تلویزیون اسـت. به نظرتان اگر این سریال خوب از آب دربیاید، بیشتر در تلویزیون حضور پیدا می‌کنید؟

دنیرو: بله، شاید...

رزنتال: تلویزیون اکنون در دوره رنسـانس خودش به سر می‌برد. اگر به داسـتان‌های با پتانسـیل بالایی که این روزها موضوع سریال‌های تلویزیونی هستند نگاه کنیم، واقعا مشخص می‌شود که چه اتفاقی در حال رخ دادن است. چون دیگر تنها با چهار یا پنج مدل برای شبکه‌های تلویزیونی مواجه نیستیم، بلکه به ابزارهایی دسترسـی داریم مثل وب سـایت تماشای آنلاین فیلم و Netflix و جریان مالی مستقلی که از پرداخت هزینه به ازای تماشای هر بار فیلم به دنیای فیلم و تلویزیون وارد می‌شـود. این ابزارها می‌توانند محتوای آنچه شما تولید می‌کنید را در سـطوح مختلف فکری نشان بدهند. در حال حاضر تجربه این فضا بسیار هیجان‌انگیز است. به خصوص برای نویسندگان، کارگردان‌ها و بازیگران فیلم‌های مستقل و آنهایی که شـروع به ساختن فیلم‌های بزرگ براساس آثار کلاسیک هالیوود می‌کنند؛ زیرا بدون اسـتفاده از تکنولوژی حاضر کار فیلمسازی برای آنها سخت می‌شود.

(خطـاب به دنیرو) آیا دوسـت داریـد در یکی از این سـریال‌های تلویزیونی بازی کنید؟ می‌شـود شـما را در یـک درام تلویزیونی بزرگ مثل «امپراطوری پیاده رو» یا سریال‌هایی از این قبیل مجسم کرد؟

دنیـرو: نمی‌دانم... شـاید... باید ببینم چـه پیش می‌آید. وقتی مـن یک بازیگر جوان بودم خیلی‌ها قراردادهای خوبی می‌بسـتند که به کالیفرنیا بیایند و در یک سریال تلویزیونی بازی کنند. تقریبا الان هم این‌گونه اسـت اما از جهاتی با آن دوره تفاوت دارد. مثلا کارکردن در اچ. بی. اُ، در اچ. بی. اُ آزادی عمل بیشـتری نسـبت به سینما برای ساختن برنامه تلویزیونی یا فیلم تلویزیونی خلاقانه خـود دارید. البته حضور در تلویزیون پرستیژ بالایی ندارد (مطمئن نیستم باید از کلمه پرستیژ استفاده کنم یا نه) و تلویزیون شکوه و تاثیرگذاری سینما را ندارد. اما به این صفحه تلویزیون در دفتـر من نگاه کنید (به یک صفحه تلویزیون باریک بـزرگ در اتاقـش اشـاره می‌کند) ایـن به کلی چیز دیگری شـده است. امروزه محتـوا اهمیت بیشـتری دارد و شـما در تلویزیـون زمان بیشتری برای نمایش محتوای داستان‌تان دارید.

رابرت دنیرو و جین رزنتال

رزنتال: شـما به عنوان فیلمساز می‌خواهید که فیلم‌تان دیده شـود. جاهای زیادی وجود دارد که شـما می‌توانید در آن فیلم‌تان را عرضه کنید. این روزها استفاده از سرویس‌های VOD (تماشـای فیلـم درخواسـتی از طریق شـبکه‌های تلویزیونی) که به ازای هر بار تماشای فیلم پول از شما دریافت می‌کند، فرصت‌های خوبی برای سازنده اثر ایجاد می‌کند که بتواند در تمام سطوح مختلف با تماشاگران در ارتباط باشد. تماشاگران می‌توانند فیلم را در یک مجموعه سینمایی بزرگ، روی یک تلویزیون اچ.دی در اتاق پذیرایی‌شان، روی نمایشگر آیپاد، مانیتور کامپیوتر یا هر ابزار دیگری که در آینده ساخته می‌شوند تماشا کنند.

روز بـه روز بـر تعـداد افـرادی کـه فیلم‌هـا را روی گوشی‌های موبایل، تبلت، لپ تاپ یا دیگر صفحات نمایش کوچک نـگاه می‌کنند، افزوده می‌شـود در این مورد چه حسی دارید؟

دنیرو: من فیلم دیدن در سینما را دوست دارم، اما بسیاری از فیلم‌ها را نیـز در کامپیوتر می‌بینم، به این خاطر که همه چیز سریع انجام می‌شـود در ضمن شما می‌توانید از هدفن استفاده کنید و با تمرکز بیشتری فیلم را ببینید. اندازه تصویر هم خوب است. اما این فضا، فضای سینما نیست. فضای یک اتاق نمایش بزرگ که نمونه‌ای از آن را در طبقه پایین همین دفتر داریم هم نیست. جذابیت سینما در این است که تعدادی آدم دور هم جمع می‌شوند، با هم فیلم کمدی می‌بینند، همه با هم می‌خندند، گاهی اوقات شما احساس می‌کنید که چیز خنده‌داری وجود ندارد، اما خنده دیگران به شـما هم سرایت می‌کند.

موفق‌ترین تجربه مشـترک شما در گیشه «ملاقات با فوکرها» بود، ادامه‌ای بر یک کمدی پرخرج. آیا چیزی در مورد تغییر سلیقه تماشاگران آمریکایی احساس می‌کنید؟

رزنتال: من فکر می‌کنم چیز مهمی که در سه‌گانه «ملاقات با والدین» وجود داشـت، حس مشـترک فرامکانی آن بود و خیلی اهمیت نداشـت فیلم در چه زمانی اکران می‌شود. آن فیلـم درباره خانواده بود. هر کسـی در هر جای جهان برادر، خواهر، مادر یا پدر است و می‌تواند با شخصیت‌های فیلم جک برینز و گرگ فوکر ارتباط برقرار کند. فیلم توانسـت حسـی مشترک را در تمام مردم دنیا بر انگیزد.

(خطاب به دنیرو) الان مشـغول بـازی در چه فیلمی هستید؟

دنیرو: به تازگی بازی در فیلم «فصل کشـتن» را در کنار جان ترالولتا به پایان رسـاندم. این فیلم یک داسـتان بسـیار پیچیده درباره جنگ بوسنی است که در آتلانتا فیلمبرداری شده. اکنون نیز مشغول بازی در فیلمی به کارگردانی جاناتان جـک بویز درباره زندگی بوکسـوری به نـام «روبرتو دوران» هستم. من در فیلم نقش مربی مشهور و خوش‌نام بوکس به نام ری آرسل را بازی می‌کنم. دیروز در خانه همسر آرسل که در منهتـن زندگی می‌کند، بودم. او نهمین دهه زندگی‌اش را می‌گذرانـد و چیزهای خاطره‌انگیز زیادی در خانه‌اش دارد. او بازیگری بسـیار باهوش بوده اسـت. ری هم مرد باهوش و با استعدادی بوده و شبیه آن مربی‌های بوکس که معمولا تصور می‌کنید، نبوده است.

اما در مورد سـینمای مسـتقل... اخیـرا در فیلم‌های مستقل زیادی بازی کرده‌اید مانند فیلم «فلین‌بودن» که به تازگی اکران شده و «نورهای سـرخ» که در ۱۳ جولای (۲۳ تیر) به روی پرده می‌آید.

دنیرو: فیلم‌های مسـتقل همواره فیلم‌هـای جذاب‌تری برای من بوده‌اند. البته از بازی در سری فیلم‌های «فوکرها» هـم لذت بـردم اما بـازی در این‌گونه فیلم‌ها برایم جالب‌تر اسـت و فضای آنهـا غیرقابل مقایسـه بـا فیلم‌هـای دیگر است. در «فلین بودن» یکی از نقش‌های اصلی را بازی می‌کنم اما در «نورهای سرخ» یکی از مهم‌ترین نقش‌های مکمل را بازی می‌کنم. از کارگردان این فیلم آخری هم خیلی خوشم می‌آید؛ رودریگو کورتس مرد بسیار باهوشی است.

وقتی نسـخه نهایی «نورهای سرخ» را تماشا کردید، چه نظری داشتید؟

دنیرو: دوستش داشتم. سخت می‌شود این فیلم را دوست نداشت. فیلم‌های خوب بسیاری دیده‌ام که نمی‌دانم چگونه آنقدر خوب سـاخته شـده‌اند و برای سازندگان این فیلم‌ها خوشحالم. گاهی وقت‌ها کارگردان‌های بزرگی هم نیستند، اما مخاطبان خود را پیدا می‌کنند. اما بعضی فیلم‌ها هم هستند که نمی‌دانم درباره‌شان چه بگویم و تمام کاری که می‌توانم انجام دهم، این اسـت که بـه کارم اعتماد کنم، پیش بروم و سعی کنم که احساس خوبی داشته باشم.

چگونه توانستی به شخصیت یک انسان نابینای روشن‌بین نزدیک شوی؟

دنیرو: کارگردان اطلاعات زیادی در این‌باره برایم فرستاد. او تحقیقـات زیادی از طریق اینترنت در این مورد انجام داده بود. من واقعا مجذوب این شـخصیت شدم و دوست داشتم بدانم کدام کار او واقعی و کدام غیرواقعی اسـت. من شـخصا آدم واقع‌بینی هستم اما چیزهایی دیده‌ام که می‌دانم به نوعی قابل توضیح است اما من نمی‌توانم آنها را توضیح دهم. دیوید بلین یکی از دوسـتان من اسـت. او در نمایش‌هایش زیاد از حقه‌های شعبده بازی استفاده می‌کند؛ مثلا وقتی من به کارت خاصی فکر می‌کنم او می‌تواند ذهن من را بخواند. سیگورنی ویـور هم در این فیلم نقش رودرروی من را بازی می‌کرد و با بازی عالی‌اش کاری کرد که من اصلا دیده نشوم!

پس هنگامـی که برای این نقش آماده می‌شـدید، با دیوید بلین صحبت کردید؟

دنیرو: کمی با او صحبت کردم می‌خواستم این نقش را به کمک او اجرا کنم.

آیا چیز خاصی هست که از دیوید بلین یا نیک‌فلین، نویسـنده کتاب «یک شب نکبت دیگر در شهر گند» که فیلم «فلین بودن» براسـاس آن ساخته شـده است، یاد گرفته‌باشید؟

دنیـرو: بودن بـا نیک فلین خوب بود. بـه این خاطر که او نویسـنده داستان بود و این قصه براسـاس زندگی واقعی خودش و رابطه‌اش با پدرش بود و او هر روز در پشـت صحنه در کنار ما حضور داشـت. او برایم یک کمک واقعی بود و در بعضی صحنه‌های فیلم از او می‌پرسیدم که پدرش در چنین موقعیتی چه عکس‌العملی نشان می‌داد. من واقعا دوست دارم که نویسنده فیلمنامه در سر صحنه حضور داشته باشد. آنها ایده‌های بسـیار زیادی به کار می‌دهنـد. چیزهایی را تغییر می‌دهند و چیزهایی را اصلاح می‌کنند.

در دهـه ۸۰ وقتـی فیلم «عاشـق شـدن» را با مریل اسـتریپ بازی می‌کردید، مریل اسـتریپ در مورد شـما می‌گفت که عاشق جزییات هستید و برای انتخاب لباس در حـدود ۴۰ ژاکـت را امتحـان کردید تا لباس مناسـب کاراکترتـان را پیدا کنید. در پاییز امسـال شـما و مریل استریپ در موزه ویکتوریا آلبرت لندن نریشن نمایشگاه مـد را اجرا می‌کنید. در مـورد اهمیت طراحی لباس برای فیلمی مثل «فلین بودن» نظرتان چیست؟

دنیرو: لباس‌ها عناصر بسـیار مهمی در فیلم هسـتند به خصوص در فیلمی مانند «فلین بودن.» شخصیت نیک فلین فرد بی‌خانمانی است و لباس‌هایش نشان‌دهنده نوع زندگی او هستند. در فیلم سکانس‌هایی بود که این شخصیت چند روزی را کاملا در سرما به سر می‌برد و من ایده‌ای در مورد اجرای آن داشتم. فکر کردم چطور است که او دستمالی در گوش‌هایش کند تا گوش‌هایش را در برابر سرما محافظت کند. نیک در این مواقع کمک بسیار خوبی بود چون او بسیار در مورد دنیای این شخصیت می‌دانست.

امـا در مورد کمـدی «چه اتفاقی افتـاد؟» که تجربه مشترک دیگری از شماست. فیلم بسیار جالبی بود اما در گیشه موفق نبود. در فیلم هر دو شما به عنوان تهیه کننده، ناامیدی و ترس‌تان را در مواجهه با دنیای فیلمسـازی در هالیوود نشان می‌دهید.

رزنتال: این فیلم یا سریال «همراهان» یا فیلم «بازیگر» به عنوان سبکی از فیلمسازی درباره سختی‌ها و زجرهای رساندن یک فیلم به مرحله نمایش است.

دنیرو: آن فیلم بر اساس کتاب (آرت) لینسن بود. لینسن خوب می‌داند که درباره چه چیزی حرف می‌زند. کتاب بسیار جالبی اسـت که من خواندمش و به این نتیجه رسـیدم که می‌توان فیلم خوبی از آن ساخت.

رزنتال: ما فیلم دیگری نیز با این مضمون به نام «منشی» در سـال ۹۲ با هم سـاختیم کـه بری پریموس نوشـت و کارگردانی کرد. یکی از مسایل اصلی هر فیلمی بودجه‌ای است که برای آن هزینه می‌شود و خیلی از اوقات تصمیمات بر آن اسـاس گرفته می‌شود. گاهی اوقات هم پیش می‌آید که کل فضای سـاخت یک فیلم برای‌تان احمقانه به نظر می‌رسد و تنها می‌توانیـد در این موقع به فضای دور و برتان نگاه کنید و بخندید!

(خطاب به دنیرو) شان پن در فیلم «چه اتفاقی افتاد؟» شما بازی کرد و حالا شما در فیلم بعدی او «کمدین» نقشی را ایفا خواهید کرد. آن پروژه را شروع کرده‌اید؟

دنیرو: ما فیلمنامه‌ای داشـتیم که آرت لینسـن چند سـال است روی آن کار می‌کند. شـان پن مدت زیادی از این پروژه باخبر بود اما از هشـت ماه پیش وارد این پروژه شد. ما می‌خواهیم زمسـتان این کار را شروع کنیم. فیلم درباره کمدینی شبیه آرچی بانکر است. این کاراکتر به خاطر نقشـی که در تلویزیون بازی می‌کند، معروف شده است و همـه او را با آن اسـم صدا می‌زنند و این اسـم او را اذیت می‌کند. فیلم بسیار جالبی است. دیگر نمی‌توانم برای شروع کردنش صبر کنم.

منبع: وال استریت ژورنال

تازه چه خبر دکترجون؟

بازیگران دلهره‌آور بی‌نام

■ فیلم دلهره‌آور و ظاهرا پر از تعلیقی که قرار اسـت جان کراولی کارگردانی کند، هنوز عنوان مشخصی ندارد اما بازیگران آن از همین الان تعیین شده‌اند. هفته گذشته امپایر خبر داد که سـیاران هیندز (بازیگر «زن سـیاهپوش») به گـروه بازیگران اصلی این فیلم، یعنی اریک بانا و ربکا هال پیوسته است. در این فیلم همچنین جیم برودبنت، ریز احمد، کنت کرانهـام، آن ماری داف و جولیا اسـتایلز در نقش‌های مکمل حضور دارند. فیلمنامه را استیو نایت (نویسنده «وعده‌های شرقی» کراننبرگ) نوشته است و دو وکیل در کانون داسـتان قـرار دارند؛ زن و مـردی که قبلا ارتباطی عاطفی داشته‌اند و اکنون دو رقیب سرسخت در دو سوی یک پرونده مهم مربوط به تروریسم هستند که حواشی آن ممکن است جان‌شان را به خطر بیندازد.

از دهه ۱۹۶۰ با عشق

■ بعـد از سباسـتین فالکـز و جفری دیـور که راه یان فلمینگ، نویسـنده داستان‌های اصلی جیمز باند را ادامه دادند، یک نویسنده اسـکاتلندی به نـام ویلیام بوید قرار است نگارش رمان بعدی مـاور ۰۰۷ را بر عهده بگیرد که در پاییز ۲۰۱۳ منتشر می‌شود. او قصد دارد جیمز باند را که این روزها بسیار معاصر شده و ظاهرا در سال ۱۹۷۰ به دنیا آمده اسـت، به اصل خود و به دهه ۱۹۶۰ بازگرداند. بوید که پیش از این هم خود یان فلمینگ را به عنوان شخصیت رمانی با عنوان «قلب هر انسان» مورد استفاده قرار داده است در این مورد به امپایر گفته است: «پدرم رمان‌های جیمز باند را در دهه ۱۹۶۰ به من شناساند و من همه را در همان موقع خواندم و به شدت تحت تاثیر فلمینگ قرار گرفتم. «از روسـیه با عشق» داستان محبوب من است... تنها چیزی که آماده‌ام بگویم این است که آنچه می‌نویسم در دهه ۱۹۶۹ می‌گذرد.»

جاذبه مشاور حقوقی

■ پـروژه بعـدی ریدلی اسـکات کـه عنـوان آن «مشـاور حقوقی» اسـت، طبق معمول آثـار او تعداد زیـادی از بازیگران نام‌آور را به خود جلب کرده است؛ از جمله مایکل فاسبندر -که نقش همان مشاور حقوقی عنوان فیلم را بر عهده خواهد داشت- و خاویر باردم و جرمی رنر در نقش‌های منفی. روز پنجشـنبه وولچر گزارش داد که آنجلینا جولی نیز مشغول مذاکره برای حضور در یک نقش کوتاه در فیلم است و پیش از آن نیز شایعه شده بود که ناتالی پورتمن برای نقش دیگری قرار اسـت به پروژه بپیوندد. ظاهرا فوکس قرن بیستم نیز به شدت به این پروژه علاقه‌مند شده اسـت و مشـغول «مذاکره فعال» برای پخش و احتمالا سـرمایه‌گذاری در تولید فیلم است. فیلمنامه را کورمک مک کارتی (نویسنده «جایی برای پیرمردها نیسـت» و «جاده») نوشته و داستان درباره یک وکیل است که آلوده دنیای کثیف تجارت مواد مخدر می‌شود.

تاخیر راهنمایی والدین

■ اکـران کمـدی «راهنمایی والدین» به زمانی دورتر موکول شد. به گزارش ورایتی، این فیلم کمدی که در آن بازیگرانی مانند بیلی کریستال، بت میدلر، ماریسا تومـی و تام اورت اسـکات حضور دارند و قرار بوده که در ماه نوامبر (آبان) به روی پرده برود، در روزهای کریسمس در دی‌ماه اکران خواهد گرفت. تعویق اکران این فیلم -که پیشتر «شما و آنها» نام داشت- با هدف موکول کردن آن به زمانی که برای این فیلم خانوادگی رقیبی در نوع خودش وجود نداشته باشـد، صورت گرفته اسـت. در حال حاضر صحبت از اکـران «جانگو زنجیرگسسـته» تارانتینو، «گتسـبی بزرگ» باز لورمن که اقتباس از رمان مشهور اف. اسکات فیتزجرالد است و کمدی رمانتیک «بازی در میدان» با حضور جرارد باتلر و جسیکا بیل در روزهای کریسمس در میان اسـت و به این ترتیـب این کمدی خانوادگی به کارگردانی اندی فیکمن بازار خود را خواهد داشت.

مسموم‌کنندگان

■ امیلـی واتسـن (بازیگر «شکسـتن امـواج»)، لنـا هـدی (بازیگـر سـریال تلویزیونی «ترمیناتـور») و آنا فریـل (ایفاگر نقـش مقابل بردلی کوپـر در «نامحدود») به جمع بازیگران کمدی سیاه یان آمیل با عنوان «مسموم‌کنندگان» پیوستند. به گزارش هالیوود ریپورتر، این کمدی که فیلمنامه‌اش را پل بیلینگ نوشته اسـت، در زمان جنگ جهانی اول می‌گذرد و درباره چند زن روستایی انگلیسی است که باید مراقب تعدادی از اسرای جنگی آلمانی باشند. کن دوکن، هانو کوفلر و آلکساندر شـیر بازیگران آلمانی فیلم هسـتند. «مسموم‌کنندگان» تابستان امسال در ایرلند و آلمان فیلمبرداری خواهد شد.